

تاریخ پنهان آیه چهل — عدد هفده

وای دوم — بخش چهارم

Jeff Pippenger

2026-06-25

۶۲۷، ۶۳۲ و ۶۳۷

«کلید»ی که هاویه را می‌گشاید، نبرد نینواست که در سال ۶۲۷، پنج سال پیش از آن‌که محمد در ۶۳۲ درگذرد، تحقق یافت. پنج سال بعد، در ۶۳۷، نیروهای مسلمان پایتخت ایران را، که یکی از دو ابرقدرت بزرگ درگیر در نبرد نینوا بود، تصرف کردند. این رویداد موازنه قدرت در خاورمیانه را به‌گونه‌ای چشمگیر دگرگون ساخت. نبرد نینوا در سال ۶۲۷ قوت امپراتوری ایران را فرسود، و ده سال بعد امپراتوری ایران به پایان رسید.

خواری—۷۸۲

یکصد و پنجاه سال پس از مرگ محمد در سال ۶۳۲، در لشکرکشی عباسی ۷۸۲، سپاه عباسی (که بنا بر گزارش‌ها حدود ۹۵,۰۰۰ تن بود) یورش عظیم به قلمرو بیزانس در آسیای صغیر (ترکیه امروزی) آغاز کرد. آنان تا خریسوپولیس، درست در آن سوی تنگه بسفر از قسطنطنیه، پیش رفتند و بدین‌سان بسیار به پایتخت بیزانس نزدیک شدند. بیزانسی‌ها، تحت فرمان امپراتریس ایرنه، شکستی سخت متحمل شدند. در نتیجه، بیزانسی‌ها ناگزیر شدند آتش‌بسی خفت‌بار سه‌ساله را امضا کنند و بپذیرند که باجی سالانه و کلان (در حدود ۷۰,۰۰۰ تا ۹۰,۰۰۰ دینار زرین) بپردازند و جامه‌های حریر و گروگان‌ها تسلیم کنند. این لشکرکشی یکی از بزرگ‌ترین و کامیاب‌ترین یورش‌های عباسیان به سرزمین‌های بیزانس در طول سده هشتم بود. این رویداد قدرت رو به افزایش خلافت عباسی و افول مستمر امپراتوری بیزانس را به نمایش گذاشت.

پنج ماه

در فصل نهم مکاشفه، «پنج ماه» که معادل یکصد و پنجاه سال است، دو بار ذکر شده است: یک‌بار در آیه پنج و بار دیگر در آیه ده.

و به ایشان داده شد که آنان را نکشند، بلکه پنج ماه معدّیشان سازند؛ و عذاب ایشان مانند عذاب کژدم است هنگامی که انسانی را نیش می‌زند. و در آن ایام، مردمان مرگ را خواهند طلبید و آن را نخواهند یافت؛ و آرزوی مردن خواهند کرد، و مرگ از ایشان خواهد گریخت. و شمایل ملخ‌ها مانند اسبان مهیا برای جنگ بود؛ و بر سرهایشان چیزی چون تاج‌هایی شبیه به طلا بود، و چهره‌هایشان مانند چهره‌های آدمیان بود. و موئی چون موی زنان داشتند، و دندان‌هایشان مانند دندان‌های شیران بود. و زره‌هایی داشتند، گویی زره‌های آهنین؛ و صدای بال‌هایشان مانند صدای ارابه‌هایی بود که اسبان بسیار به جنگ می‌دوند. و دم‌هایی مانند کژدم‌ها داشتند، و در دم‌هایشان نیش‌ها بود؛ و قدرتشان این بود که مردمان را پنج ماه آزار رسانند. مکاشفه ۹:۵-۱۰.

در نهمین کرنا در مکاشفه، دو دوره نبوی متمایز یکصد و پنجاه‌ساله وجود دارد. نخستین آن‌ها از مرگ محمد در سال ۶۳۲ تا تحقیر امپراتریس ایرنه روم شرقی در سال ۷۸۲ امتداد می‌یابد. باب نهم، ظهور اسلام را به شیوه‌ای بسیار دقیق مشخص می‌سازد. از متحد شدن قبایل در سال ۶۰۶، تا نبرد نینوا در سال ۶۲۷، تا مرگ محمد در سال ۶۳۲، و سپس تا شکست ایران در سال ۶۳۷، صعود و افول اسلام با دقت در کلام نبوی خدا ترسیم شده است. اسلام عربستان همان قدرتی است که در نخستین پیشگویی

یکصد و پنجاه ساله عذاب مطرح است. اتحاد قبایل به وسیله محمد در سال ۶۰۶؛ سپس نبرد «کلیدی» نینوا در سال ۶۲۷، و در پی آن پیشگویی محمد درباره زوال هر دو، ایران و روم، در حدود سال ۶۲۸، و سپس مرگ او در سال ۶۳۲. این تاریخ‌ها نمایانگر تسلسلی مشخص از رویدادها در سیر اسلام هستند.

یکصد و پنجاه سال پس از آن که محمد در سال ۶۳۲ درگذشت، کانون قدرت اسلام از عربستان به ترکیه منتقل شد، زیرا روم شرقی را تا قسطنطنیه به عقب راند. ویل نخست نمایانگر اسلام عربستان بود، و ویل دوم نمایانگر اسلام ترکیه. در درون ویل نخست، هر دو نبوت زمانی یکصد و پنجاه ساله، همان تمایز میان اسلام عربستان و اسلام ترکیه را مشخص می‌سازند، چنان‌که همین حقیقت نیز در تمایز میان ویل نخست و ویل دوم به تصویر کشیده شده است.

نخستین یکصد و پنجاه سال با زوال پارس آغاز شد و با در تنگنا ماندن روم در حصارهای قسطنطنیه پایان یافت. دومین دوره یکصد و پنجاه ساله با پیروزی عثمان (که او را اوتمان نیز می‌نامند) در نیکومدیا آغاز شد. مقصود از پیروزی عثمانی در نیکومدیا، محاصره نیکومدیا (ازمیت امروزی، ترکیه) است که از ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۷ روی داد؛ هنگامی که سلطان اورخان غازی (پسر عثمان اول، بنیان‌گذار بیگ‌نشین عثمانی) آن شهر مهم بیزانسی، نیکومدیا، را به محاصره درآورد. شهر چندین سال مقاومت کرد، اما سرانجام در سال ۱۳۳۷ بر اثر گرسنگی و کمبود آذوقه تسلیم شد. به پادگان بیزانسی اجازه داده شد که به قسطنطنیه عقب‌نشینی کند. نیکومدیا یکی از آخرین دژهای عمده بیزانس در آسیای صغیر (آناتولی) بود. سقوط آن عملاً به سلطه بیزانس بر بخش اعظم آناتولی غربی پایان داد. این پیروزی به عثمانیان امکان داد تا قدرت خود را در بیتینیا تحکیم کنند و بیشتر به سوی تنگه بسفر گسترش یابند. این رویداد گامی بزرگ در مسیر فتح نهایی قسطنطنیه به دست عثمانیان بود (که بیش از یک قرن بعد، در ۱۴۵۳، رخ داد). این محاصره غالباً یکی از پیروزی‌های کلیدی آغازین شمرده می‌شود که آن بیگ‌نشین کوچک عثمانی را به قدرتی منطقه‌ای و رو به صعود بدل ساخت.

هنگامی که دومین دوره یکصد و پنجاه ساله درون شیپور اول در ۲۷ ژوئیه ۱۴۴۹ به پایان رسید، آخرین کنستانتین برای جلوس بر تخت روم شرقی از سلطان اسلامی اجازه طلب کرد، و بدین‌سان همان خواری‌ای را متحمل شد که امپراتریس ایرنه در پایان نخستین یکصد و پنجاه سال از دو دوره «پنج‌ماهه» باب نهم مکاشفه متحمل شده بود. خواری «امپراتریس ایرنه» و نیز «کنستانتین آخر» نمونه‌ای از خواری بعدی عثمانیان بود، آنگاه که در پایان پیشگویی زمانی ویل دوم، برای مصونیت از تهدید مصر، از چهار قدرت بزرگ اروپایی درخواست حمایت کردند.

پانتئون

پیشگامان به‌درستی دریافتند و تعلیم دادند که عبارت «مکان مقدس او فرو افکنده شد» در دانیال ۸:۱۱ به‌وسیله قسطنطین تحقق یافت.

آری، او خویشتن را حتی تا برابر رئیس لشکر بزرگ ساخت، و قربانی دائمی به‌وسیله او برداشته شد، و جایگاه مقدس او فرو افکنده گردید.

«مقدس»ی که در اینجا بدان اشاره شده، معبد پانتئون در شهر روم بود و «جای» آن معبد، روم بود. روم هنگامی به‌وسیله قسطنطین «سرنگون شد» که او در سال ۳۳۰ برگزید پایتخت امپراتوری خود را به قسطنطنیه منتقل کند. آیه یازدهم با مکاشفه سیزده مرتبط است و آیه دو همان وقایع را مشخص می‌سازد.

و آن وحشی که دیدم، چون پلنگی بود، و پاهایش همچون پاهای خرس، و دهانش مانند دهان شیر؛ و ازدها قدرت خویش و تخت خود و اقتداری عظیم را به او داد.

اژدها روم بت پرست بود، و روم بت پرست در سال 330، هنگامی که پایتخت را به شرق منتقل کرد، «تخت» اقتدار خود را به کلیسای روم واگذار نمود؛ و بدین سان خلأیی در قدرت بر جای گذاشت که کلیسای پاپی با خرسندی از آن بهره برداری کرد. هنگامی که خط روم شرقی را از سال 330 تا 1453 آغاز می‌کنیم، درمی‌یابیم که در آغاز نبوت روم شرقی، شهر روم به سبب رد روم از سوی قسطنطین خوار می‌شود. آن خواری در سال 782، با امپراتریس ایرنه، در پایان نخستین یکصد و پنجاه سال عذاب، تکرار شد. هر دوی آن خواری‌ها به وسیله قسطنطین آخر نیز تکرار گردید.

فراز و فرودهای شگفت‌انگیز

شیپور پنجم و ششم مکاشفه نه، جزئیات سقوط روم شرقی را فراهم می‌آورند، و در عین حال خیزش و افول اسلام را نیز ثبت می‌کنند. الهام به ما تعلیم می‌دهد که «صعود و سقوط» پادشاهی‌ها را در کتاب‌های دانیال و مکاشفه مطالعه کنیم. این پادشاهی‌ها ویژگی‌های متمایز خاص خود را دارند که با «صعود و سقوط» ویژه ایشان مرتبط است. سقوط یهودا به وسیله سه یورش بر اورشلیم پدید آمد. عبرانیان به بابل به اسارت برده شدند و بر پایه سه فرمان بازخواهند گشت؛ فرمان‌هایی که ۲,۳۰۰ سال را آغاز می‌کردند، سال‌هایی که به ورود سه فرشته به صحنه تاریخ از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ منتهی شد. بابل در یک شب سقوط کرد. روم از هم فروپاشید، و در درون این فروپاشی، دو جنبه از روم تحت جایگاه روم غربی و روم شرقی مطرح گردید. صعود و سقوط امپراتوری بطلمیوسی و امپراتوری سلوکی در یک سوم نخست دانیال یازده، نمونه پیشگویانه صعود و سقوط روم پاپی است. آن شهادت صرفاً نتیجه‌گیری روایت اسکندر و انحلال یونان است. یونان، برخلاف روم، به چهار بخش تقسیم شد که در نهایت به دو بخش بدل گردید. روم به شرق و غرب تقسیم شد، و پس از آن روم غربی به گونه‌ای نبوی به سه بخش تقسیم گردید که نمایانگر حکومت سه‌گانه روم بود. در مورد روم شرقی، قسطنطین پادشاهی خود را میان سه پسرش تقسیم کرد. به روشنی، روم غربی و روم شرقی دو خط موازی اند که کلیسای روم و دولت روم را نمایندگی می‌کنند. با آن تقسیم دوجانبه، تقسیم سه‌گانه دیگری نیز همراه است. یونان از چهار به دو شد، بابل یک‌شب بود، یهودا سه یورش بود. در مورد اسلام، «صعود» ایشان به صورت یک «رها سازی» ترسیم شده است و «سقوط» ایشان یک «مهار» است.

عروج آنان با محمد آغاز شد و در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ مهار گردیدند. آنان رها شدند و بی‌درنگ در ۱۱ سپتامبر دوباره مهار شدند. آنان اخیراً در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ رها شدند و از آن زمان در غزه مهار شده‌اند. اسلام بار دیگر رها خواهد شد تا برپایی تصویر وحش را نشان‌گذاری کند. خط تاریخ نبوتی اسلام که در باب‌های نهم تا یازدهم کتاب مکاشفه بازنمایی شده است، تاریخ نبوتی اسلام وای سوم را مشخص می‌سازد. «تاریخ نبوتی اسلام وای سوم» همچنین به واسطه فرشته هفتم و نیز فرشته سوم بازنمایی شده است. فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ وارد شد، هنگامی که فرشته هفتم آغاز به نواختن کرد. فرشته سوم و وای سوم در ۱۱ سپتامبر به درون تاریخ نبوتی وارد شدند. از ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه، تاریخ نبوتی وای اول و دوم در حال تکرار بوده و همچنان هست.

«کلید» نبرد نینوا، دو قدرت روم و پارس را در ارتباطی مستقیم و جدایی‌ناپذیر با اسلام قرار می‌دهد. نینوا بیش از هر بخش دیگر کتاب مقدس، زوال تدریجی روم غربی و روم شرقی را به روشنی مشخص می‌سازد.

هیروُدس نمادی از اژدهاست؛ او نماینده روم بود. اژدها در پایان جهان، سازمان ملل متحد است. در قانون یکشنبه، پادشاهی ششم سقوط می‌کند، هفتم آغاز می‌شود، اما آنان در جشن تولد خودشان پادشاهی خویش را به پادشاهی هشتم می‌بخشند. پادشاهی هفتم تازه زاده شده است، و بی‌درنگ موافقت می‌کند که پادشاهی خود را به مدت یک ساعت به فاحشه بابل بسپارد، چنان‌که در نمونه

تمثیلی وعدهٔ هیروُدس به سالومه که تا نیم پادشاهی خود را به او بدهد، پیش‌نگاری شده است.

درست در همان‌جایی که ایالات متحده سقوط می‌کند، سازمان ملل متحد زاده می‌شود و اتحاد سه‌گانه به اجرا درمی‌آید. هیروودیس اژدهاست، و هیروودیا پاپیت است، و ایالات متحده سالومه است. هیروودیس در پیوندی زناکارانه در ازدواج بود، زیرا با زن برادر خود ازدواج کرده بود، و در سطح نبوی در رابطه‌ای محارم‌آمیز با سالومه قرار داشت، زیرا آشکار است که در حالی که او می‌رقصید، هیروودیس به او شهوت می‌ورزید. اژدها با هم با مادر و دختر رابطه دارد. دیدن این نکته مهم است هنگامی که تشخیص می‌دهید روم غربی و روم شرقی به ترتیب نماد نیرنگ کلیسایی و تدبیر حکومتی هستند. روم، پادشاهی چهارم نبوت کتاب مقدس، از لحاظ نبوی پاپیت را بر تخت نشانند، و بدین‌سان نمونه‌ای از ایالات متحده گردید که بار دیگر پاپیت را بر تخت خواهد نشانند.

زوال تدریجی روم غربی از سال 330 تا 476، نمایانگر زوال تدریجی ایالات متحده از 1798 تا قانون یکشنبه است. سال «330» و سال «1798» هر دو نشانه‌های راه نبوتی‌اند که در کتاب دانیال «وقت معین» یا «زمان آخر» نامیده شده‌اند. 330 آغازهای روم غربی و روم شرقی را مشخص می‌سازد. پایان هر دو، تحقیر رهبر روم است، همان‌گونه که کنستانتین در آغاز، شهر روم را تحقیر کرد. 476 پایان یک دوره نبوی بود که نشان می‌دهد ساختار سیاسی پرشکوه روم چگونه در طی سه گام فروپاشید. دوره‌ای که با طرد شدن شهر در 330 آغاز شد، سپس با تحقیر تمام ساختار سیاسی ایشان دنبال گردید—جمهوری باشکوه آنان، که مایه اصلی فخر روم باستان بود، از هم گسسته شد—و سرانجام به 476 رسید، زمانی که دیگر هرگز فرمانروایی بر روم نخواهد بود که از تبار حقیقی رومی باشد. دو خط روم که در سال 330 آغاز می‌شوند، و آن بخش که این دو خط در آن بیان شده‌اند، همچنین شامل دو خط نبوی پنج‌ماهه نیز هست. خط روم غربی با تحقیر تدریجی آغاز می‌شود و با تحقیر تدریجی پایان می‌یابد. خط روم شرقی نیز با تحقیر تدریجی آغاز می‌شود و با تحقیر تدریجی در 1449 پایان می‌یابد، هنگامی که کنستانتین آخر برای سلطنت کردن اجازه خواست.

یکی از دوره‌های پنج‌ماهه به پایان اسلام عربی به‌عنوان کانون نبوت و آغاز اسلام ترکی در سال 782 منتهی می‌شود. در آن تاریخ، شهبانوی ایرنه خوار می‌گردد، در انطباق با خواری قسطنطین آخر در پایان نبوت دوم پنج‌ماهه. دو نبوت پنج‌ماهه در درون یک روایت پانزده‌آیه‌ای. یکی تاریخ اسلام عربستان را به تصویر می‌کشد و دیگری اسلام ترکیه را. هر دو با خواری روم شرقی به پایان می‌رسند. تحقق خاتمه یکی از این نبوت‌ها با خوار شدن یک زن بود و دیگری با خوار شدن یک مرد. سطر بر سطر، خواری کلیسا و دولت روم شرقی را مشخص می‌سازند. هر دو خواری به‌وسیله اسلام وای اول به وقوع می‌پیوندند. خواری قسطنطین آخر در 1449، آغازگر دوره‌ای چهارساله است که در 1453 پایان می‌یابد، با فروریختن دیوارهای قسطنطنیه. 1449 نمایانگر خواری است و در 1453 دیوارها فرو می‌ریزند و یک پادشاهی پایان می‌یابد.

مرگ محمد

یکی از دو دوره پنج‌ماهه با مرگ محمد آغاز می‌شود؛ همان که در آیه یازدهم به‌عنوان «پادشاهی که بر آنان بود» معرفی شده است.

و بر ایشان پادشاهی بود، که فرشتهٔ هاویه است، و نام او در زبان عبرانی آبدون، و در زبان یونانی نامش آپلیون است.

پادشاه ایشان محمد بود، زیرا او در آیه نخست شناسایی شده است؛ پس او شخصیت دیگری از میان چهره‌های اسلامی نیست؛ او محمد پادشاه است، و پادشاه یک پادشاهی است و اسلام پادشاهی محمد است.

و فرشته پنجم در صور دمید، و ستاره‌ای را دیدم که از آسمان بر زمین افتاده بود؛ و کلید چاه هاویه به او داده شد. و او چاه هاویه را گشود؛ و از چاه، دودی برخاست، همچون دود تنوری عظیم؛ و آفتاب و هوا از دود چاه تاریک گردید. و از میان دود، ملخ‌ها بر زمین بیرون آمدند؛ و به ایشان قدرت داده شد، چنان‌که عقرب‌های زمین قدرت دارند. مکاشفه ۹:۱-۳

تکرار مصیبت اول و دوم در درون مصیبت سوم، با تکرار فرشته اول و دوم در درون فرشته سوم، موازات دارد. به محمد، آن پادشاه، کلید داده شد تا هاویه را بگشاید، و ۱۱ سپتامبر مشخص می‌سازد که فرشته سوم چه هنگام اقتدار می‌یابد. سپس مسیح، به مثابه آن فرشته نیرومند، در هنگامی فرود آمد که نخستین ضربت بلعام در تاریخ نبوی فرا رسید. آنگاه هاویه گشوده شد و اسلام بار دیگر به موضوعی در تاریخ جهان بدل گردید. سپس مسیح قوم خود را به راه‌های کهن ارمیا هدایت کرد و پیام مصیبت سوم و فرشته سوم آغاز به طنین‌افکندن نمود. در سال ۲۰۱۵، ترامپ قصد خود را برای نامزد شدن در انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام کرد، و بدین‌سان قدرت‌های اژدهایی جهانی‌گرا را به جنبش درآورد، و آنگاه هاویه الحاد را رها ساخت؛ همان الحادی که سرانجام ترامپ را در کوچه‌های سدوم و مصر کشت. در قانون یکشنبه، آن وحش که هشتم است و از آن هفت می‌باشد، از هاویه صعود خواهد کرد. آغاز زمان مهرگذاری یکصد و چهل و چهار هزار و پایان آن، برآمدن قدرتی از هاویه را مشخص می‌سازد.

آن وحشی که دیدی، بود و نیست؛ و از هاویه برخواید آمد و به هلاکت خواهد رفت؛ و ساکنان زمین، که نام‌هایشان از بنیاد عالم در دفتر حیات نوشته نشده است، چون آن وحش را ببینند که بود و نیست و با این همه هست، در شگفت خواهند شد. مکاشفه ۱۷:۸

اسلام همان کلیدی است که در ۱۱ سپتامبر چاه بی‌انتها را گشود و در زمان قانون یکشنبه نیز چاه بی‌انتها را می‌گشاید. در میانه زمان مهر زدن، اژدها-وحش جهانی‌گرایی نیز از چاه بی‌انتها بیرون آمد.

و چون شهادت خود را به پایان رسانند، آن وحشی که از هاویه برمی‌آید با ایشان جنگ خواهد کرد، و بر ایشان غلبه خواهد یافت، و ایشان را خواهد کشت. مکاشفه ۱۱:۷.

کلیدی که هر سه نشانه راه قدرتی از هاویه را می‌گشاید، به محمد، پادشاه مملکت اسلام، داده شد. نبرد نینوا در سال ۶۲۷ نمایانگر نبردی میان دو قدرت بود که توان هر دو طرف درگیر را فرسود و بدین‌سان به اسلام اجازه داد به سرعت به قدرت برخیزد. این کلید در ۱۱ سپتامبر گردانده شد و عروج اسلام آغاز گردید، هرچند اندکی بعد مهار شد. نبرد نینوا در ۱۱ سپتامبر به گونه‌ای پیش‌نمون شد؛ زیرا در آنجا عروج اسلام آغاز شد، در همان هنگامی که فرشته نیرومند فرود آمد تا زمین را به جلال خود روشن سازد، و آن ستاره، که معنای آن رسول است، نیز از آسمان سقوط کرد. نبرد نینوا همچنین در پایان نیز پیش‌نمون می‌یابد، آنگاه که قانون یکشنبه فرا می‌رسد و دوره دوم اعصار تاریک آغاز می‌شود، زیرا دود دین اسلام خورشید را تیره و محبوب می‌سازد.

اکسیر

قانون یکشنبه آنگاه به صورت نمونه‌وار به تصویر کشیده می‌شود که پیام فریاد نیمه‌شب به اجتماع اردویی اکسیر می‌رسد. سپس واپسین حرکات برپا ساختن صورت وحش آغاز می‌گردد. شکل‌گیری، یا برپا شدن صورت، از ۹/۱۱ آغاز شد؛ اما در پایان آن دوره، دوره اعلام فریاد نیمه‌شب نیز فرانکتالی از تمام دوره شکل‌گیری صورت است که از ۹/۱۱ آغاز شده بود. آغاز، نمایانگر پایان است. مصیبت نخست، مصیبت سوم را به صورت نمونه‌وار نشان می‌دهد، همان‌گونه که فرشته نخست، فرشته سوم را به صورت نمونه‌وار نشان می‌دهد. نبرد نینوا در پایان زمان مهر زدن، نبرد نینوا را در آغاز مشخص می‌سازد. نبرد نینوا در قانون یکشنبه، پایان زمان مهر زدن است که از ۹/۱۱ آغاز شد، اما همچنین

پایان دورهٔ اعلام فریاد نیمه شب نیز هست. بنابراین، نبرد نینوا در آغاز اعلام فریاد نیمه شب به صورت نمونه‌وار نشان داده می‌شود، که آخرین گام‌ها در شکل‌گیری صورت وحش در ایالات متحده را مشخص می‌سازد؛ و در قانون یکشنبه، آغاز شکل‌گیری صورت وحش در جهان شروع می‌شود. نینوا کلیدی است که خطوط گوناگون را هم‌راستا می‌سازد؛ خطوطی که کمال تحقق خود را در تاریخ پنهان آیهٔ چهل می‌یابند.

در مقالهٔ بعدی، بیشتر پیش خواهیم رفت.